

زبان انگلیسی ۲  
سال دوم دبیرستان  
درس پنجم

شما علاوه بر ترجمه فارسی می توانید مترادف و یا تضاد بعضی از لغات را مشاهده کنید.

لغت

ترجمه فارسی

Angrily= with anger

با عصبانیت

Apartment = flat

آپارتمان

Aside= to one side

کنار

Bad luck

بدشانس

Full of

پراز چیزی

Can = a metal box for food

قوطی کنسرو

Capital

پایتخت

Carton

جعبه

Chicken

جوجه

Come back = return / go back

برگشتن

Completely= entirely

کاملاً

Cream

خامه ، کرم

Crowded= full of people

پر جمعیت

Delhi =the capital of India	دهلی
Get into trouble = cause difficulty for some one	به درد سر افتادن
Go on a trip = travel / take a trip	به سفر کوتاه رفتن
Hate = dislike ≠ like	متنفر شدن
Have to = must	اجبار داشتن
Jump	پریدن
Lazy ≠ clever , intelligent	تنبل
Light ≠ heavy	سبک ، روشن
Lovely = pretty / beautiful ≠ ugly	دوست داشتنی
March = the third month of the year	مارچ
million	میلیون
Miss	از دست دادن
Mixed up= confuse	گیج
Museum	موزه
October = the tenth month of the year	ماه اکتبر
Officer	افسر
Once= one time	روزگاری -
	یکبار
Park	پارک کردن
Polite ≠ impolite	مؤدب

Population = the number of people who live in a (one) place	جمعیت
pot	ظرف
Put= place sth to one side	کنار گذاشتن چیزی
Round	گرد، دایره
Row	ردیف
Sadly	با تاسف
Say goodbye	خداحافظی کردن
Seaside = shore	کنار دریا
September= the ninth of the year	ماه سپتامبر
Shopping	خرید
Sit	نشستن
Spaghetti	اسپاگتی
Sugar	شکر
Taste	مزه کردن، چشیدن
Tourist	جهانگرد
Toward	به طرف
Toy gun	تفنگ اسباب بازی
Without	بدون
wood	چوب

## New Words

لغات جدید :

1. last week Ali and his friends went on a trip to the seaside

هفته گذشته علی و دوستانش به یک سفر کنار دریا رفتند

what did they do last week?

They went to the seaside.

2. Mina is two years old

مینا دو سال دارد

She is very lovely , isn't she?

او خیلی دوست داشتنی است، این طور نیست؟

How old is Mina?

She is two years old

Is she a lovely girl?

-yes , she is.

3. Ali looks like his brother.

علی شبیه برادرش است

You can see Ali's friend in the picture , too

شما می توانید دوست علی را هم در عکس ببینید.

Which boy is Ali's brother ? why

-The boy standing near Ali Because he looks like Ali

4. you can see rows of cans , boxes and bottle in the shop

شمامی توانید ردیفهایی از قوطیها، جعبهها و بطریها را در مغازه ببینید.

what do you see in the picture?

-I can see rows of cans boxes and bottles in the picture.

5. Mr taban is in a big city.

آقای تابان در یک شهر بزرگ است

He can't find his friend's apartment

او نمی تواند آپارتمان دوستش را پیدا کند

He is completely mixed up

او کاملاً گیج شده است

What is Mr taban doing?

-He is looking for his friend's apartment.

Why is he mixed up?

-Because he can't find his address and the city is big

*Practice your new words.*

کلمات جدیدتان را تمرین کنید.

برخی از اسامی می‌توانند به جای صفات مورد استفاده قرار گیرند اسامی زیر

در جای خالی مناسب خود قرار داده و از آنها صفت بسازید.

1. sugar pot

4. toy planes

2. pocket watch

5. banana slices

3. onion soup

## The Little Old Man Who Could Not Read

پیرمرد کوتاه قدی که نمی توانست بخواند.

1. Once there was a little old man who couldn't read

روزی پیرمرد کوچکی بود که نمی توانست بخواند.

He just never wanted to learn. His wife bought all the food

او واقعاً هرگز نخواسته بود آن را یاد بگیرد. همسرش تمام غذاها را می خرید

The little old man stayed at home and made lovely toys out of wood.

پیرمرد کوچک در خانه می ماند و اسباب بازیهایی دوست داشتنی از چوب می ساخت

2. Children loved his toys, and they wrote to tell him so

بچه ها اسباب بازیهایشان را دوست داشتند و برای پیرمرد نامه می نوشتند تا علاقه شان را به او بگویند.

But the old man couldn't read there letters

اما پیرمرد نمی توانست نامه هایشان را بخواند

3. one day his wife had to go on a trip

روزی همسرش مجبور شد به سفر کوتاهی برود

4. "You'll have to go to the store and buy your food tonight " she said.

همسرش گفت: «تو باید امشب به فروشگاه بروی و غذایت را خریداری کنی»

Then she said goodbye to him and left

بعد هم از پیرمرد خداحافظی کرد و رفت

5. The old man went to the store

پیرمرد به فروشگاه رفت

There were rows and rows of boxes without pictures.

در آنجا ردیف ردیف قوطیها و ردیف ردیف جعبه‌های بدون عکس وجود داشت.

What were they? The old man didn't know , and he didn't like to ask.

آنها چه بودند؟ پیرمرد نمی‌دانست و دلش هم نمی‌خواست سؤال کند

6. He bought what looked like a can of soup and a box of spaghetti

او چیزی را که شبیه به قوطی سوپ بود و یک جعبه اسپاگتی خرید

He bought what looked like a sugar box , chicken soup and a carton of milk

او چیزی را که شبیه به یک جعبه شکر، سوپ جوجه و یک کارتن شیر بود

خریداری کرد

7. The old man went home and said . "I'm hungry . I'll have some soup".

پیرمرد به خانه رفت و گفت: «گرسنه هستم. قدری سوپ می‌خورم.»

8. He opened a small can. Onion suop



او یک قوطی کوچک را باز کرد و سوپ پیاز!

9. "Terrible" He said "I hate onion soup" And he put it aside

او گفت: «چقدر بد! من از سوپ پیاز متنفرم» و آن را به کناری گذاشت

He opened a long box that looked like a spaghetti box

او یک جعبه بلند را که شبیه جعبه اسپاگتی بود باز کرد

But the box had a kind of paper in it.

اما درون جعبه نوعی کاغذ وجود داشت

10. "Bad luck"! said the old man "I guess I'll go to bed"

پیرمرد گفت: «عجب بد شانسی آوردم فکر کنم بهتر است به رختخواب بروم»

11. By the next morning he was very hungry

تا صبح روز بعد او خیلی گرسنه شده بود

He jumped out of bed and opened a round box

از رختخوابش بیرون پرید و یک جعبه گرد را باز کرد

It was full of something white . the old man tasted it.

آن جعبه پر از یک چیز سفید بود. پیرمرد آن را چشید

12. "oh , I thought it was chicken soup"

(بعد گفت) «اَه» فکر کردم سوپ جوجه است

13. Then he opened a blue box , and it was also full of something

white

بعد از آن یک جعبه آبی رنگ را باز کرد. آن نیز پر از چیز سفیدی بود

He tasted that too.

او آن را هم چشید.

14. "soop" he said sadly "who wants to eat soap?"

او با ناراحتی گفت: «صابون است. کی دلش می خواهد صابون بخورد؟»

when he to get a drink of milk , he found that he had bought cream.

وقتی که پیرمرد رفت تا جرعه‌ای شیر بنوشد دریافت که به جای شیر خامه  
خریده است

He didn't like cream , but he was hungry , so he ate it

او خامه دوست داشت ولی گرسنه بود، بنابراین خامه را خورد.

15. that night when his wife came back he told her how he got all  
mixed up with the cans and cartons and boxes.

آن شب وقتی همسرش بازگشت، پیرمرد به او گفت که چطور آن قوطیها و  
کارتنها و جعبه‌های مقوایی را اشتباهی گرفته بود

16. "please teach me how to read , " he said.

پیرمرد گفت: «خواهش می‌کنم به من یادیده که چطور بخوانم»

17. So she did. Now when he made his lovely toys out of wood, he  
could read the letters the children sent to him.

همسرش این کار را کرد. حال وقتی پیرمرد از چوب اسباب‌بازیهای دوست‌داشتنی می‌ساخت، می‌توانست نامه‌هایی را که بچه‌ها برایش می‌فرستادند بخواند

18. And he never went hungry again.

و هرگز دوباره گرسنگی نکشید

### Comprehension:

در این قسمت شما بعد از خواندن متن به سؤالات پاسخ دهید و پاسخ خود را با پاسخهای داده شده مقایسه کنید.

1. The little old man stayed at home and made lovely toys out of wood.
2. No , he had never tried to buy things.
3. They wrote letters to tell him that they loved his toys.
4. He had to go to the store to buy his food that night.
5. He went to the store to buy food
6. other people didn't help him because he didn't like to ask
7. No , he jumped out of bed to open a round box.
8. yes we many get in to trouble if we don't know how read

## True or False

II در این قسمت شما جوابهای درست یا غلط را با T یا F می بینید

1.F      2.F      3.F      4.T      5.T      6.F

III جملات را کامل کنید از جوابهای a, b, c, d استفاده کنید

1.d      2.c      3.c      4.d      5.a

## گرامر درس پنجم

حرف تعریف معین ( The ) و کاربرد آن در جمله:

**تعریف:** هر گاه اسمی نزد شنونده آشنا باشد در انگلیسی بر سر آن در جمله از

این حرف استفاده می کنیم مثل :

1. clean the black board please.

لطفا تخته سیاه را پاک کنید

که در اینجا تخته سیاه در نزد شنونده آشناست و می داند کدام تخته سیاه مورد

نظر گوینده است یا در مثال زیر :

2. I found the bag

من کیفی را پیدا کردم .

3. I found a bag

شونده نمی داند که چه کیفی است و مال چه شخصی است.

اما در انگلیسی بر سر بعضی از کلمات اصلاً حرف تعریف The لازم نیست و اگر بکار ببریم غلط می شود مثل:

I saw Mr smith                      من آقای اسمیت را دیدم

She went to Doamvand              او به دماوند رفت

که در دو مثال فوق استفاده از The بر سر Mr smith و یا بر سر اسم شهر Damavand غلط است.

### موارد کاربرد حرف تعریف The در جمله:

The book                      ۱- قبل از اسم معرفه در جمله مثل : کتاب را

The smallest                      ۲- قبل از صفات عالی کوچکترین

که شما مبحث صفات عالی را در زبان (۱) خوانده‌اید

The sun                      ۳- قبل از اسامی اجرام آسمانی مثل: خورشید

The sky                      ۴- قبل از نام آسمان و فضا: فضا The space آسمان

The oman sea                      ۵- قبل از نام دریاها دریای عمان

The Atlantic ocean                      ۶- قبل از نام اقیانوسها اقیانوس اطلس

The Aras River                      ۷- قبل از اسمی رودخانهها رودخانه ارس

The AlborZ Mountains                      ۸- قبل از اسمی سلسله کوهها سلسله کوه البرز

The Persian Gulf                      ۹- قبل از اسمی خلیجها خلیج فارس

The U.S.A                      ۱۰- قبل از اسمی جمع جغرافیایی ایالات متحده آمریکا

۱۱- قبل از دو اسم که صفات و صفات الیه واقع شود

The door of the school                      درب مدرسه

۱۲- قبل از اسمی که بیانگر طبقه‌ای باشد شیرها The lions

۱۳- قبل از صفت در این صورت معرف یک طبقه خواهد شد

The young جوانان

\* و می‌دانیم که صفت در انگلیسی مرکز « s » جمع نمی‌گیرد .

۱۴- قبل از اسامی کتب مذهبی کتاب قرآن The Koran

۱۵- قبل از صبحانه و نهار و شام به طور خاص

The lunch I ate was delicious

نهاری که خوردم لذیذ بود

The cinema – the theater

۱۶- جلوی کلمات سینما و تئاتر

۱۷- قبل از نام آلات موسیقی

The piano is a music tool

پیانو ابزار موسیقی است

۱۸- برای خاطر نشان کردن موضوع خاص

In The North of Iran

در شمال ایران

۱۹- به عنوان قید و جانشین فاعل هر چه بیشتر بهتر The more , the better

\* البته لازم نیست شما تمامی موارد را حفظ کنید فقط جهت مرور و آشنایی

آن را مشاهده کنید

۲. مواردی که کاربرد حرف تعریف The در جمله بر سر اسمی لازم نیست

علی      The ~~Ali~~

۱- بر سر اسامی خاص

۲- بر سر صبحانه، نهار و شام به طور عام

من هر روز ساعت ۱ نهار می خورم I eat lunch at 1:00 o'clock every day

۳- بر سر کوه مفرد      کوه دماوند      Damavand Mount ion

۴- بر سر نام دریاچه

- دریاچه ارومیه آب شور دارد

The lake Oeromeih has a salty water

۵- نام کشور، ایالت ، شهر the نمی خواهد      Iran , Tehran losangless

۶- بر سر نام روزهای هفته لازم نیست      Monday

۷- بر اسامی بازهای لازم نیست      Football

۸- بر سر اسامی معنی لازم نیست      دانش      The ~~Knowledge~~

۹- اسامی جنس به شرطی که به طور عام بکار روند

- آب برای زندگی لازم است      Water is necessary for life

وقت طلاست      Time is gold

۱۰- جلوی اسامی جمع اگر به طور عامل به کار روند

سگها حیوانات خوبی هستند      Dogs are good animals

۱۱- نام دانشگاه اگر مضاف و مضاف الیه نوشته نشود

دانشگاه تهران      The ~~Tehran~~ university

۱۲- قبل از نام بیماریها او سردرد دارد She has a headache

۱۳- قبل از نام رنگها آن ماشین سفید است That car is white

۱۴- قبل از صفات ملکی آن اتومبیل من است That is my car

قبل از دو سال و ماه و فصل در سال ۱۹۹۷ In 1997

در سال سپتامبر In september

در زمستان In winter

کلمات را جایجا کنید و جملات جدید بسازید هر جا لازم است (The) را

استفاده کنید

## Speaking 2

They arrived in Tehran in the morning

1. they arrived in London in the morning.
2. they arrived in New York in the morning
3. they arrived in England in the morning
4. they arrived in Germany in the morning.
5. . they arrived in Germany in the evening.
6. . they arrived in Germany in the afternoon.
7. . they arrived in Germany in the morning.
8. . they arrived in Germany in September.
9. . they arrived in Germany in Bahman.
10. . they arrived in Germany in 1985



همان طور که مشاهده می‌کنید در تمرین های ۸ و ۹ و ۱۰ احتیاجی به گذاشتن حرف تعریف The نیست چون در مورد ماه و سال گفته شد.

به این سوالات پاسخ دهید در این قسمت فقط پاسخها را مشاهده می‌کنید

### Speaking 3

\* در متن دقت کنید که چه جایی باید از The استفاده کنیم و چه جایی احتیاجی به The نیست.

1. He ate the sandwich

2. He wore the coat

3. He drove the car

4. Jim is going to America

\* چون کشور مطرح است حرف تعریف نمی‌خواهد.

5. Amir goes to school after breakfast

\* چون جمله بیان خبر است و همیشگی است، حرف تعریف نمی‌خواهد

6. she was born in the month of winter

## موضوع دوم گرامر

### کاربرد what , who :

هنگامی که درباره فاعل جمله سوال می شود از who , what استفاده می کنیم در این صورت کافیسست فاعل را عوض کنیم و به جای کلمه پرسشی را قرار دهیم جمله را با همان ترتیب ادامه می دهیم و در انتهای جمله علامت سؤال بگذاریم.

از who به جای فاعل انسانی و از what به جای فاعل غیر انسانی (حیوان یا شیء) استفاده می شود مثل:

1. ~~Mina~~ came late . who came late?
2. ~~The wind~~ closed the door. What closed the door?

این تمرین را برای خودتان تکرار کنید و از کتاب استفاده کنید.

### Speaking 4:

کلمات را جایگزین کنید و جملات جدید بسازید. هر گاه لازم است تغییری بدهید.

### Speaking 5:

Who opened the window yesterday?

- 1.who closed the window yesterday?
- 2.who was playing football yesterday?
- 3.who is playing football now?
- 4.who is going to the library now?
- 5.who will go to the library tomorrow?
6. who will go to the library tomorrow?
- 7.who goes to the park tomorrow?
8. who should go to school tomorrow?

با کلمه who سؤال بسازید

### Speaking 6

\* مجدداً به گرامر درس مراجعه کنید و مشاهده کنید که کاربرد who به چه صورتی است سپس به حل این تمرین پردازید. و جوابهای خود را با جوابهای ما مقایسه کنید.

- 1.who always speaks English?
- 2.who helped the teacher?
- 3.who could see his friend?
- 4.who will help the sick people?
- 5.who is answering the telephome?

با استفاده از **where , what , who** و غیره سوال بسازید هر کجا لازم است از

Speaking 7

فعل کمکی استفاده کنید.

**Example:** به مثال توجه کنید و بعد به سؤالا پاسخ دهید.

The students visited the factory yesterday.

موقعیت ۱: محصلین دیروز از کارخانه دیدار کردند

1.who visited he factory yesterday? (The students)

۱- چه کسی دیروز از کارخانه دیدار کرد؟ دانش آموزان

The students visited the factory yesterday?

2.what did the students visit?(the factory)

۲- دانش آموزان از چه چیز دیدار کردند؟ (کارخانه)

The students visited the factory

3.when did the students visit the factory?(yesterday)

۳- چه وقت دانش آموزان از کارخانه دیدار کردند؟ (دیروز)

The students visited the factory yesterday.

\*همان طور که مشاهده می کنیم از **when , what , who** جهت سوال استفاده

شده است و کاربرد هر کدام را شما جداگانه در گرامر مشاهده کرده اید. سعی

کنید ابتدا خودتان جواب در سوال را بدهید و بعد جوابها را مقایسه کنید.

Situation

1.Mr Tehrani can help the students today

در این تمرین همانطور که می بینید در داخل پرانتز (Mr Tehrani) آمده است

که شما باید از who به جای آن استفاده کنید (جهت سؤالی کردن)

جواب: who can help the students today?

در این تمرین هم شما باید از when جهت سؤالی کردن به معنی (چه وقت)

استفاده کنید

جواب: when can Mr Tehrani help the students?

Situation 2. A lot of tea grows in Iran.

جواب: what grows in Iran? (a lot of tea)

How much tea grows in Iran? (a lot of)

Where does a lot of tea grow? (In Iran)

Situation 3. The teacher explained the lesson to us this morning

Who explained the lesson to us this morning? (the teacher)

What did the teacher explain to us this morning? (this morning)

Situation 4. Reza will buy a bicycle next year.

Who will buy a bicycle next year? (Reza)

What will Reza buy next year? (a bicycle)

When will Reza buy a bicycle? (next year)

Situation 5. My friend's father was living in Tehran ten years ago

Who was living in Tehran ten years ago? (my friend's father)

Where was he living ten years ago? (in Tehran)

When was he living in Tehran? (ten years ago)

هر کجا حرف تعریف The لازم است پر کنید

### Writing 1.

1. my mother is making tea in the kitchen.
2. I usually get up early in the morning .
3. the tourists arrived in the Isfahan at 7
4. I'm cold please close the window
5. she never comes here on the Wednesdays.
6. I didn't listen to the news last night
7. they haven't seen each other since the February.
8. we get heat from the sun
9. write this sentence on the blackboard , Ali
10. I have come here to see the Jack and his family

با who پنج سؤال بنویسید

### writing 2

ما ۲ مثال برای شما می آوریم و بقیه مثالها را خودتان بسازید تا کاربرد who را بهتر یاد بگیرید.

1. who had seen this film before? چه کسی این فیلم را قبلا دیده بود؟

2.who can help me today? چه کسی می تواند امروز به من کمک کند؟  
پنج سؤال با what بنویسید.

### Writing 3

به ۲ مثال زیر دقت کنید و بقیه را خودتان بسازید

- 1.what grows in the North of Iran? چه چیز در شمال ایران می روید؟
- 2.what will she buy for your birthday?

برای روز تولد شما او چه خواهد خرید

### Vocabulary Review (مرور لغت ها)

با کلمات درست جملات زیر را پر کنید

- 1.I don't like onion soup a tall
2. He bought what looked like a sugar box
- 3.Is smoking against the law?
- 4.I missed the bus , that is the reason why I am late
- 5.the toy gun was just like a real gun
6. Each time you do the puzzle right , I'll give you a reward

موفق باشید الهه شاهقلی